

سرمقاله

ضرورت بر خورد قاطع با گروه های تروریستی

حفیظ الله زکی

از نظر شهروندان، امنیت در افغانستان همچنان در اولویت قرار دارد. زیرا بدون امنیت توسعه و انکشاف اقتصادی و فرهنگی، ایجاد اداره سالم و مبارزه با فساد اداری ناممکن می باشد. امنیت اساس توسعه و بستر رشد علمی و فرهنگی جامعه است. تا زمانی که امنیت تأمین نشود، فعالیت ها و برنامه های توسعه ای با چالش ها و دشواری های غیر قابل پیش بینی روبرو می شود. حکومت افغانستان بر مبنای همین ضرورت پانزده سال است که اعلام می کند، مسایل امنیتی در اولویت سیاست های دولت قرار دارد و حکومت تمام تلاش خود را در راستای بهبود امنیت افغانستان به کار می بندد. اما پس از پانزده سال دیده می شود که امنیت نه تنها بهبود نیافته که بدتر هم شده است. مناطق بیشتری از کشور تحت سلطه و نفوذ دشمنان قرار دارد. تهدیدات امنیتی به گونه های گوناگون: اختطاف، گروگان گیری، ماین گذاری جاده ها، عملیات های انتحاری و جنگ های روبروی... امنیت شهروندان را با خطر مواجه ساخته است. تعداد گروه های هراس افکن نیز بیشتر شده و گستره عملیات آنها دامنه دارتر گردیده است. بنابراین گفته می توانیم که گراف نامی همه ساله سیر صعودی داشته و حکومت در سیاست های امنیتی خود ناکام بوده است.

در دور اول حکومت حامد کرزی، سیاست های امنیتی اغلب از سوی جامعه جهانی به پیش برده می شد؛ زیرا افغانستان از لحاظ توان و ظرفیت امنیتی در سطح بسیار پایین قرار داشت و نمی توانست مسئولیت امنیت کشور و مبارزه با گروه های تروریستی را به عهده بگیرد. در این دور، شبکه القاعده به عنوان بزرگترین و خطرناکترین گروه تروریستی از افغانستان بیرون رانده شد و ساختار تشکیلاتی اش برهم ریخت. گروه طالبان نیز که توسط ائتلاف بین المللی و همکاری اتحاد شمال از جغرافیای کشور رانده شده بود و امارت خود ساخته اش از بین رفته بود، هنوز قدرت مانور نظامی را در افغانستان پیدا نکرده بود. در ابتدای این دوره، جامعه جهانی اذعان داشتند که طالبان و القاعده به عنوان دو گروه مهم و قدرتمند در افغانستان، دیگر شکست خورده و قدرت سازماندهی مجدد خود را از دست داده اند.

خوشبینی های بیش از حد نیروهای ائتلاف و سیاست های میهم و غیر راهبردی کشورهای حامی امنیت در افغانستان روند مبارزه با طالبان را با کندی مواجه کرد. رقابت برخی کشورها و اختلاف در چگونگی مبارزه با هراس افکنان سبب شد که فرصت برای فعالیت گروه طالبان در افغانستان فراهم گردد. وقتی طالبان از یک گروه حامی تروریسم به یک گروه شورشی مخالف دولت تغییر ماهیت داد، حملات تهاجمی علیه طالبان به سیاست های دفاعی مبدل شد و برای تأمین امنیت کاروان ها و پایگاههای نظامی و محافظت از شهروندان خارجی، به این گروه با باج داده شد، در عمل نحوه مبارزه و برخورد با این گروه را تغییر داد. جامعه جهانی گروه طالبان را دست کم گرفته بود و از ناپودی آن گروه در افغانستان در آینده نزدیک اطمینان داشت، به همین دلیل بیشتر می خواستند با سیاست های مماشسات گونه آنها را به پیوستن با دولت تشویق کند؛ اما این خوشبینی افراطی در نهایت سبب شد که حضور طالبان بارزگر به یک تهدید جدی برای افغانستان بدل شود و جنگ افغانستان به یکی از طولانی ترین و دشوارترین جنگ های پیمان ناتو در کشورهای خارجی تبدیل شود.

در دور دوم حکومت کرزی با اطمینان می توانیم بگویم که سیاست سرکوب مخالفان مسلح دولت در اولویت سیاست های دولت قرار نداشت. حکومت سیاست محدودیت مأموریت ائتلاف بین المللی، مذاکره و سیاست های بیش از حد نرم را در قبال خشونت های گروه های مخالف مسلح در پیش گرفت. امتیازات زیادی به طالبان داده شد و حجم قابل توجه امکانات ملی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به جیب طالبان واریز گردید. این سیاست ها کاملاً به ناکامی کشیده شد. اگر امروز حکومت وحدت ملی بازم بخواهد سیاست های گذشته را در قبال گروه های هراس افکن دنبال کند، بدون شک جز شکست و ناکامی، دستاوردی برای مردم افغانستان نخواهد آورد. حکومت زمانی موفق است که با همه گروه های تروریستی بدون تفکیک مبارزه قاطع داشته باشد.

اولویتهای حکومت در نهادهای امنیتی کشور

رحیم حمیدی



خارج از کشورهای عضو ناتو ترکیه، هند و جاپان است. این سه کشور در ۱۵ سال گذشته از حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی حمایت نموده است. به جز کمک های نظامی هند به افغانستان که منجر به نگرانی پاکستان می گردد کمک های ترکیه و جاپان باعث نگرانی هیچ کشوری نمی گردد. بنابراین، برای حکومت وحدت ملی این گزینه ها باید اولویت بیشتر داشته باشند. زیرا، ما در وضعیت نیستیم که با روابط خود با کشورهای رقیب ایالات متحده آمریکا حساسیت به وجود آوریم. نیروهای امنیتی کشور تنها با یک خلاء مواجه نمی باشد. فساد گسترده در صفوف نیروهای امنیتی امر دیگری است که از درون آن را متلاشی می کند. حکومت به همان اندازه که به تجهیز نیروی هوایی کشور اهمیت می دهد باید به فساد گسترده در صفوف نیروهای امنیتی نیز اهمیت بدهد. پاکسازی نیروی ارواح، نظارت بر حضور نیروها، توزیع معاشات نیروهای امنیتی بر مبنای یک سیستم تعریف شده باید سرلوحه کار حکومت وحدت ملی باشد.

هیچ گاهی شکل گیری طالبان پاکستانی را پیش بینی نمی کرد. اکنون این کشور گرفتار این گروه شده است. افغانستان اگر از تروریسم به عنوان یک ابزار استفاده نماید آینده بهتر از پاکستان نخواهد داشت. حکومت برای تجهیز نیروهای امنیتی کشور گزینهای زیادی دارد. تمام کشورهای عضو ناتو گزینه های مناسب برای تجهیز نیروهای هوایی کشور باشد. ارتباط نظامی با این کشور ها تحریک کننده نیست و ایالات متحده آمریکا از ارتباط افغانستان با یکی از کشورهای عضو ناتو هراس ندارد. به همین خاطر، برای افغانستان گزینه بدون هزینه سیاسی کشورهای عضو ناتو است. نگارنده بر این باور است که حکومت افغانستان تا هنوز گفتگوی جدی در ارتباط با تجهیز نیروهای هوایی کشور با کشورهای عضو ناتو نداشته است. ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان از جمله کشورهای است که می تواند افغانستان را در تجهیز نیروهای هوایی شان کمک نماید.

آمریکا باشد. حکومت وحدت ملی اما، دیپلماسی فعال می تواند ایالات متحده آمریکا را متقاعد سازد که روابط نظامی کابل با مسکو خطری برای روابط کابل واشنگتن نیست. در فقدان دیپلماسی فعال احتمال آن می رود که حکومت وحدت ملی از سوی ایالات متحده آمریکا به تنبیهات مواجه گردد. مبارزه با تروریسم نقطه مشترکی است که می تواند ایالات متحده آمریکا را متقاعد سازد که کمک نظامی به افغانستان به معنی نفوذ در این کشور و رقابت در سطح منطقه نیست. این نقطه مشترک می تواند ابزار اساسی برای حکومت وحدت ملی فراهم کند. حکومت وحدت ملی اما، نباید از تروریسم به عنوان ابزار استفاده نماید. زیرا، استفاده از این ابزار نه تنها منجر به بهبود وضعیت در کشور نمی گردد بلکه نابسامانی های زیادی را به بار می آورد. پاکستان تنها کشوری است که دهشت افکنی به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی خود استفاده می کند. اکنون این کشور قربانی تروریسم، دهشت افکنی شده است. این کشور با مقامات مسکو صحبت نموده و آن ها را متقاعد سازد که افغانستان و نیروهای امنیتی کشور را در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی است. این جنگی از این کشور است. یک امر ضروری در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی است اما، منبع تأمین و تجهیز نیروی هوایی با اما و اگر های مواجهه است. روسیه یک ابر قدرت نظامی در سطح بین الملل به شمار می آید و رقیب جدی ایالات متحده آمریکا در این عرصه است. پرسش جدی این است که آیا ایالات متحده آمریکا حاضر به پذیرش روابط نظامی افغانستان با مسکو خواهد بود. با توجه به روابط واشنگتن و مسکو پاسخ به این پرسش سخت و دشوار خواهد بود. در این حال، ایالات متحده آمریکا بزرگترین حامی مالی، سیاسی و نظامی افغانستان در سطح بین الملل می باشد. دست دراز کردن به مسکو به منظور کمک نظامی به نیروهای هوای افغانستان به احتمال زیاد امر پیچیده برای ایالات متحده

تغییرات اجتماعی

قسمت سوم و پایانی



اجتماعی راهی است برای بدست آوردن هويت اجتماعی. هوس اجتماعی در زمان بحران های اجتماعی گسترش می یابد و به عنوان شاخصی برای اندازه گیری بحران های اجتماعی بکار می رود.

به عنوان اعضا خانواده پذیرفته می شوند و اینگونه با آنها رفتار میشود هیچگونه روابط شخصی الزامی به جز آنها که خانواده تشخیص می دهد وجود ندارد، خانواده و اعضا مدل کوچکی از جامعه اند کار ویژه اقتصادی خانواده را بر هم می زند و آن را به واحد مصرف و اجتماعی شدن تقلیل می دهد تولید از خانواده به کارخانه منتقل می شود.

طبقه بندی تغییرات اجتماعی: یک وجه دسته بندی انواع تغییر می تواند دوره زمانی تغییر باشد. مطابق تعریف مور ویلبرت (۱۹۳۸)، تغییرات اجتماعی، ترجمه دوره زمانی تغییر مدت زمانی است که تغییر بعد از پذیرفته شدن و بدون از دست دادن کارکرد خود باقی می ماند. تغییرات اجتماعی بلندمدت بیشتر از منظر تاریخی نگریده می شوند و می توانند عواملی مثل بیابان نشینی، عصر کارگران ماهر و ... را در گیرد. اما تغییرات اجتماعی زود گذر تغییراتی هستند که دوره زمانی آنها عموماً زیر ۵۰ سال است و می تواند یکی از انواع زیر باشد. هوس های اجتماعی: هوس های اجتماعی ارزش هایی هستند که فقط برای جلب توجه دیگران بر زندگی اشخاص حاکم می شوند و هر چه بر دامنه حکومتشان گسترش یابد نقش آنها نیز کاهش می یابد و پس از طی دوره ی زمانی خود دلیل وجودی خویش را از دست می دهد. هوس

مد تازه ای را می آفرینند سبک زندگی: ماکس وبر می گوید که سبک زندگی افراد نشان دهنده ی منزلت اجتماعی آنهاست سبک زندگی در واقع مجموعه علائق اصلی زندگی یک فرد است که ممکن است عناصر مختلف آن دوره های زمانی متفاوتی داشته باشد. آیین های جمعی و جنبش های اجتماعی: جنبش های اجتماعی یکرقتار یا حرکت اجتماعی نسبتاً بادوام برای ترویج و یا ایجاد مقاومت در مقابل تغییر است این جنبش ها می توانند انقلابی، واپس گرا، اصلاحی باشند و دوره زمانی جنبش اجتماعی شامل سه مرحله است پیدایش، پذیرش، کاهش (جوادی یگانه و عباسی، ۱۳۸۰).

به معنقدند نظریه کامل اجتماعی را باید در سطح بسیار عام دید. لیکن نباید بر این نکته اصرار داشت که تمام تفاوت های ساختاری و فرایندهای پویا در این نظریه گنجانده شود یا از آن مشتق شود. مور (۱۹۳۸: ۱۶۴). اشاعه تحلیل تغییر اجتماعی در قالب الگوی اشاعه تلاش می کند که نگاه خطی دیدگاه تصورگرایی به تاریخ را رد نماید و بر مطالعه پدیده های فرهنگی در قالب و کانون های جغرافیایی خاص متمرکز گردد. در این الگو تغییرات اجتماعی و فرهنگی اقتباس و امانت گرفتن عناصر فرهنگی از یک نقطه جغرافیایی و بسط و گسترش آن در نقطه دیگر مورد تحلیل قرار می گیرند انسان شناسان معتقدند که اشاعه در جوامع پیچیده امروزی نیز وجود دارد بسیاری از عناصر فرهنگی که توسط گروه های متخصص ایجاد شده بوسیله گروه های دیگر اخذ شده است (واگو، ۱۹۸۹: ۱۱۶) فرهنگ پذیری دلالت بر اخذ ویژگی های مادی و غیر مادی از جامعه و فرهنگ دیگر دارد به عبارت دیگر فرهنگ پذیری به آن دگرگونی فرهنگی اطلاق می شود که بر اثر تماس های گسترده و مستقیم میان دو یا چند گروهی رخ می دهد که بیش از این تماس، گروه های مستقلی بودند (بیست و پلاک، ۱۳۷۵: ۷۲۲)

کارتون روز بدون شرح. A cartoon illustration of a person in a long, flowing white garment, possibly a traditional Afghan dress, standing in a simple, abstract landscape. The drawing is minimalist and uses black outlines on a white background.